**باسمه تعالی**

**هیچ ورودی فهرست مطالب یافت نشد.**

**موضوع**: کتاب الصلاۀ/اوقات نماز های یومیه /آخر وقت مغرب و عشاء/بررسی قول صاحب حدائق

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث راجع به روایات وقت نماز مغرب بود.

مبدأ نماز مغرب غروب آفتاب بود. بعدا بحث خواهد شد که مراد استتار قرص است یا زوال حمره مشرقیه. فعلا بحث راجع به منتهای وقت نماز مغرب است. که اقوال گوناگونی را ذکر کردیم.

***آخر وقت نماز مغرب و عشاء***

***بررسی قول صاحب حدائق***

**آخرین قول، قول صاحب حدائق بود که فرمود ما از روایات استفاده کردیم که نماز مغرب سه وقت دارد:**

**وقت اول**، ‌وقت اختیاری است که افرادی که عذر ندارند، باید نماز مغرب‌ را در این وقت بخوانند. در روایات این وقت را بین غروب شمس تا سقوط شفق یا ذهاب حمره مغربیه گفته اند.

**وقت دوم**، وقت افرادی است که عذر عرفی دارند مثلاً مسافر اند و جای مناسبی برای نماز پیدا نکرده اند. معذور عرفی مجاز است تا یک چهارم شب، یعنی یک دوم نیمه شب، نماز را تأخیر بیندازد.

**وقت سوم،** وقت افرادی است که اضطرار شدید دارند؛ مثل حائض و فاقد الماء و ناسی و نائم، که تا نیمه شب فرصت دارند.

و وقت اجزاء همین نیمه شب است و اگر کسی بر خلاف وظیفه در حال اختیار نماز مغرب را تا ذهاب حمره مغربیه نخواند، و یا کسی در سفر نماز مغرب را تا یک چهارم شب نخواند، گناه کرده اما اگر قبل از نیمه شب بخواند، قضاء نیست؛ و تنها اگر از نیمه شب بگذرد موجب می‌شود نماز مغرب قضاء بشود.

**نکته:** گناه فوت اصل فریضه مغرب با گناه ترک مبادرت به نماز مغرب، فرق می کند و دو گناه است. و ترک أصل نماز گناه کبیره است أمّا اگر مبادرت به نماز را ترک کند گناه کبیره نیست. مثل کسی که أداء دین بر او واجب فوری است که اگر مبادرت را ترک کند (و گفته اند حتّی اگر در حال نماز است و طلبکار آمد و صبر هم نمی کند باید نماز را قطع کند و دین را أداء کند و نماز مخلّ به فوریت عرفیه أداء دین است) گناه کرده است، ولی اگر اصل أداء دین را ترک کرد تا از دنیا رفت گناه بزرگتری است و این دو گناه ربطی به هم ندارد.

این فرمایش صاحب حدائق را باید بیشتر بررسی کنیم. فعلاً فرمایش ایشان راجع به وقت نماز مغرب را بررسی کنیم بعد نماز عشاء را هم بررسی می‌کنیم.

راجع به فرمایش ایشان مطالبی وجود دارد:

**عدم ملاحظه طائفه دالّ بر امتداد وقت مغرب تا طلوع آفتاب**

ایشان سه تا طائفه از روایات را قبول کرده است ولی طائفه رابعه را قبول نکرده است؛

**طائفه أول:** وقت وجوب نماز مغرب، تا سقوط شفق است و اگر نماز مغرب تا ذهاب حمره مغربیه خوانده نشد، نماز مغرب فوت شده است.

ایشان این طائفه را بر حال عمد و اختیار حمل کرده است و فرموده مراد از فوت، فوت واجب است نه فوت أداء. یعنی وجوب فوری فوت شده است. ما هم ان شاء الله این طائفه را بررسی می‌کنیم.

**طائفه دوم:** روایاتی که می‌گوید در سفر می‌توانی نماز مغرب را تا یک چهارم شب تاخیر بیندازی، که این روایات را هم ان شاء الله بررسی می‌کنیم.

**طائفه سوم:** روایاتی است که موافق با آیه اقم الصلاة لدلوک الشمس الی غسق اللیل وارد شده و مفادش این است که وقت نماز مغرب و همین‌طور عشاء تا نیمه شب است. که ایشان این طائفه را بر وقت إجزاء به لحاظ تکلیف زمان ضرورت شدید، حمل کرده است. یعنی کسی که مثلاً حائض یا نائم و ناسی بوده است می تواند تا نیمه شب نماز را بخواند.

**طائفه رابعه**:روایاتی که وقت نماز مغرب و عشاء‌ را تا طلوع فجر قرار داده است و ایشان این روایات را جداگانه مطرح کرده و فرموده است که حمل بر تقیّه می کنیم.

**تذکّر:** بحث فعلی ما در مورد این است که وقت نماز مغرب و عشاء تا نیمه شب است یا تا أذان صبح، أما این که شاید تا ربع لیل یا تا ذهاب حمره مغربیه باشد را جدا مطرح می کنیم. و فعلاً روایاتی که می گوید وقت نماز مغرب و عشاء تا أذان صبح است را بررسی می کنیم که آیا معارض دارد تا حمل بر تقیّه شود. که إدّعای ما این است که معارض ندارد.

**بررسی طائفه رابعه از نظر سند و دلالت و جهت**

روایاتی که بر امتداد وقت نماز مغرب و عشاء تا طلوع فجر دلالت می‌کند:

یکی صحیحه عبدالله بن سنان بود: ***إِنْ نَامَ رَجُلٌ أَوْ نَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ- فَإِنِ اسْتَيْقَظَ قَبْلَ الْفَجْرِ- قَدْرَ مَا يُصَلِّيهِمَا كِلْتَيْهِمَا فَلْيُصَلِّهِمَا- وَ إِنْ خَافَ أَنْ تَفُوتَهُ إِحْدَاهُمَا فَلْيَبْدَأْ بِالْعِشَاءِ الْآخِرَة***.

و نیز معتبره ابی بصیر که به نظر ما صحیحه است:‌ ***: إِنْ نَامَ رَجُلٌ وَ لَمْ يُصَلِّ صَلَاةَ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ أَوْ نَسِيَ- فَإِنِ اسْتَيْقَظَ قَبْلَ الْفَجْرِ قَدْرَ مَا يُصَلِّيهِمَا كِلْتَيْهِمَا- فَلْيُصَلِّهِمَا وَ إِنْ خَشِيَ أَنْ تَفُوتَهُ إِحْدَاهُمَا- فَلْيَبْدَأْ بِالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ***

روایات منحصر به این دو روایت نیست و روایات متعددی راجع به زن حائض وارد شده است؛

صحیحه عبدالله بن سنان؛ وَ عَنْهُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ***: إِذَا طَهُرَتِ الْمَرْأَةُ قَبْلَ غُرُوبِ الشَّمْسِ- فَلْتُصَلِّ الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ- وَ إِنْ طَهُرَتْ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ فَلْتُصَلِّ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ.[[1]](#footnote-1)***

**آخر شب یعنی قبل از طلوع فجر**: زیرا از روایات فهمیده می شود که مبدأ نهار اذان صبح و ‌طلوع فجر است، انتهاء شب ما قبل طلوع فجر است. عرفا هم نیمه شب هنوز نیمه شب است و نیمه دیگرش باقی مانده است. و لذا حمل آخر اللیل بر قبل از نیمه شب عرفی نیست.

**تذکّر:** این که آقای خوئی می‌فرمایند لیل تا طلوع آفتاب ادامه دارد بحث دیگری است: و ما هم پذیرفتیم که شب از نظر عرف عام تا طلوع آفتاب ادامه دارد. و لذا اگر ما بودیم و ظهور عرفی، مثل آقای خوئی می‌گفتیم مثلا در اقامه عشرة ایام، در الحیض ثلاثة ایام، الخیار ثلاثة ایام، معیار روز است که از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب است. ولی قبلا بحث کرده ایم که روایت صحیحه داریم که می‌گوید نماز ظهر بین دو نماز در نهار است: صلاة الغداء و صلاة العصر. می‌گوید نماز عصر و نماز صبح در نهارند و نماز ظهر، بین الصلاتین فی النهار، است. یعنی نماز صبح هم در روز حساب کرده است. و فعلاً بحث در این جهت نیست. بحث‌ این است که تا طلوع فجر مسلم شب است و ان طهرت من آخر اللیل فلتصل المغرب و العشاء.

و روایت ابی الصلاح کنانی، روایت داوود دجاجی، ‌روایت عمر بن حنظله هم شبیه همین روایت عبدالله بن سنان است.

پس این روایات مفادش این است که: حداقل برای مضطر نماز مغرب و عشاء تا اذان صبح ادامه دارد.

مشهور به این روایات فتوی نداده اند و حداکثرِ وقت نماز مغرب و عشاء را نیمه شب قرار داده اند.

***بررسی وجه حمل طائفه رابعه بر تقیّه***

و لکن کلام در این است که به چه وجهی صاحب حدائق این روایات را حمل بر تقیّه نموده است؟

**اگر این روایات معارض داشت و در مقام رفع تعارض رجوع به مرجحات باب تعارض می‌کردیم**؛ ایشان می توانستند بگویند این روایاتی که می‌گوید وقت نماز مغرب و عشاء تا نیمه شب است، مخالف عامه است و این روایات که می‌گوید وقت نماز مغرب و عشاء تا طلوع فجر است، موافق عامه است.

**و لکن ما معارضی برای این روایات پیدا نکردیم**؛ و حداکثر این است که یک اطلاقاتی داریم که این روایات مقیّد آن می شود. روایات مطلقه أعم از ضرورت و اختیار است و لذا تقیید می زنیم و می گوییم مختص صورت اختیار است و این روایات را حمل بر صورت ضرورت می کنیم.

***نسبت بین أدله دال بر امتداد وقت تا نیمه شب با طائفه رابعه***

**نسبت آیه با طائفه رابعه**

البته ما قبول داریم که ظاهر آیه این است که نمی شود نماز مغرب و عشاء را تا بعد از نیمه شب تأخیر انداخت و لکن:

**مناقشه أول (امکان حمل آیه بر صورت اختیار، کما علیه السید الخویی)**

**اولا:** این آیه و نیز صحیحه زراره که گفت: «و غسق اللیل انتصافه» مطلق است و قابل تخصیص به فرض اختیار است؛ و صحیحه عبدالله بن سنان چه روایتی که نوم و نسیان را ذکر کرد و چه روایت دیگر که طهارت از حیض را ذکر کرد در مورد مضطرّ است. و نتیجه این می شود که برای مضطرّین وقت تا أذان صبح ادامه دارد که محقق در معتبر و صاحب مدارک و آقای خویی این را پذیرفته اند.

**مناقشه دوم (حمل آیه بر بیان حکم تکلیفی نه وقت اجزاء، علی الأقوی)**

**ثانیا:** بر فرض آیه تخصیص نخورد، و روایتی که می گوید تا أذان صبح نماز مغرب و عشاء فوت نشده است شامل مختار هم بشود می توان گفت آیه تکلیف را بیان می کند و وقت إجزاء را نمی گوید، که به نظر ما این جواب أقوی است: یعنی اگر ما مثل صاحب عروه گفتیم: اقوی این است که وقت نماز مغرب و عشاء حتّی برای مختار تا طلوع فجر ادامه دارد، ‌منافات با این ندارد که مختار مکلف به این‌ باشد که نماز مغرب و عشاء را قبل از نیمه شب بخواند. آیه هم می‌گوید باید نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء‌ را از اذان ظهر تا نیمه شب بخوانید. حال روایت هم می‌گوید اگر نخواندید تا نیمه شب گذشت، نماز مغرب و عشاء هنوز فوت نشده است زیرا روایت می‌گوید «و ان خاف ان تفوته احدیهما فلیبدأ بالعشاء»، که ظاهرش این است که تا اذان صبح نشده، نسبت به نماز مغرب و عشاء فوت صدق نمی‌کند. جمع عرفی بین آیه و روایت این است: بگوییم فوت نماز مغرب و عشاء با طلوع فجر است و لکن آیه می‌گوید بر شما واجب است، وظیفه دارید، تکلیف دارد که نماز مغرب و عشاء را تا نیمه شب بخوانید. مثل این که واجب است حدوداً موقع أذان ظهر در عرفات باشیم ولی روز عرفه در حج تا قبل از غروب آفتاب هم به عرفات برویم مجزی است.

**اما روایات دیگر:**‌

**نسبت روایت داوود بن فرقد با طائفه رابعه (تعارض مستقرّ)**

داوود بن فرقد: اذا غابت الشمس فقد دخل وقت المغرب حتی یمضی مقدار ما یصلی المصلی ثلاث رکعات فاذا مضی مقدار ذلک فقد دخل وقت المغرب و العشاء حتی یبقی من انتصاف اللیل مقدار ما یصلی المصلی اربع رکعات و اذا بقی مقدار ذلک فقد خرج وقت المغرب و بقی وقت العشاء الآخرة الی انتصاف اللیل.

این روایت نسبت به نماز مغرب قابل حمل بر تکلیف محض نیست زیرا می گوید چهار رکعت مانده به نیمه شب وقت مغرب تمام می شود و نباید دیگر مغرب بخوانی.

**مناقشه أول (امکان حمل مطلق بر صورت اختیار)**

ولی این روایت غیر از این که مرسله است، دو اشکال دلالی هم دارد:

**أول این که**: دلالت ندارد که حکم مضطرّ هم همین است. بله اطلاق دارد ولی اطلاق به قرینه روایات دیگر قابل حمل بر مقیّد است و می گوییم مورد روایت داوود بن فرقد مختار است. لذا بین این روایت و روایاتی که می گوید وقت نماز مغرب و عشاء تا طلوع فجر ادامه دارد تعارض ،مستقرّ نیست.

**مناقشه دوم (اختصاص تعارض به نماز مغرب)**

**دوم این که**: این روایت که می گوید چهار رکعت به نیمه شب وقت مغرب گذشته است و وقت عشاء تا نیمه شب است: مراد از وقت عشاء، وقت تکلیف است یا وقت اجزاء؟ نهایت به ظهور عرفی می گوییم تا نیمه شب وقت اجزاء هم هست؛ لذا اگر دلیلی وقت اجزای نماز عشاء را برای مختار تا اذان صبح ذکر کرد می توانیم این روایت را حمل بر این کنیم که وقت امتثال تکلیف اختیاری نماز عشاء را می گوید. که اگر تکلیف را امتثال نکردی و نیمه شب شد روایات دیگر می گوید تا اذان صبح مجزی است.

به نظر ما عمده اشکال این روایت، ‌غیر از اشکال سندی همان اشکال دلالی اول است که نسبت روایت داوود بن فرقد با روایاتی که راجع به نائم و ناسی و حائض بود، مطلق و مقیّد است و تعارض مستقرّ نیست تا به مرجّحات باب تعارض رجوع کنیم.

***جواب از مناقشه دوم***

و اشکال دوم قابل جواب است؛

زیرا روایاتی که می گوید وقت نماز مغرب و عشاء تا طلوع فجر امتداد دارد مغرب و عشاء را با هم ذکر می کند و این گونه نیست که در خصوص نماز عشاء بگوید وقت امتداد دارد. در حالی که روایت داوود بن فرقد می گوید وقت مغرب قبل از چهار رکعت مانده به نیمه شب تمام می شود و دیگر مجزی هم نیست.

**نسبت روایت قاسم بن عروه با طائفه رابعه**

روایت قاسم بن عروه: که اذا غربت الشمس فقد دخل وقت الصلاتین الی نصف اللیل الا ان هذه قبل هذه.

به نظر ما سند این روایت خوب است.

**مناقشه دلالی (امکان حمل مطلق بر صورت اختیار)**

و از نظر دلالی روایت مطلق است و می توان بر فرض اختیار حمل کرد لذا تعارض بین این روایت و روایاتی که برای مضطرّین وقت را تا طلوع فجر ممتد می دانند، مستقر نیست.

1. وسائل الشيعة، ج‌2، ص: 364‌ [↑](#footnote-ref-1)